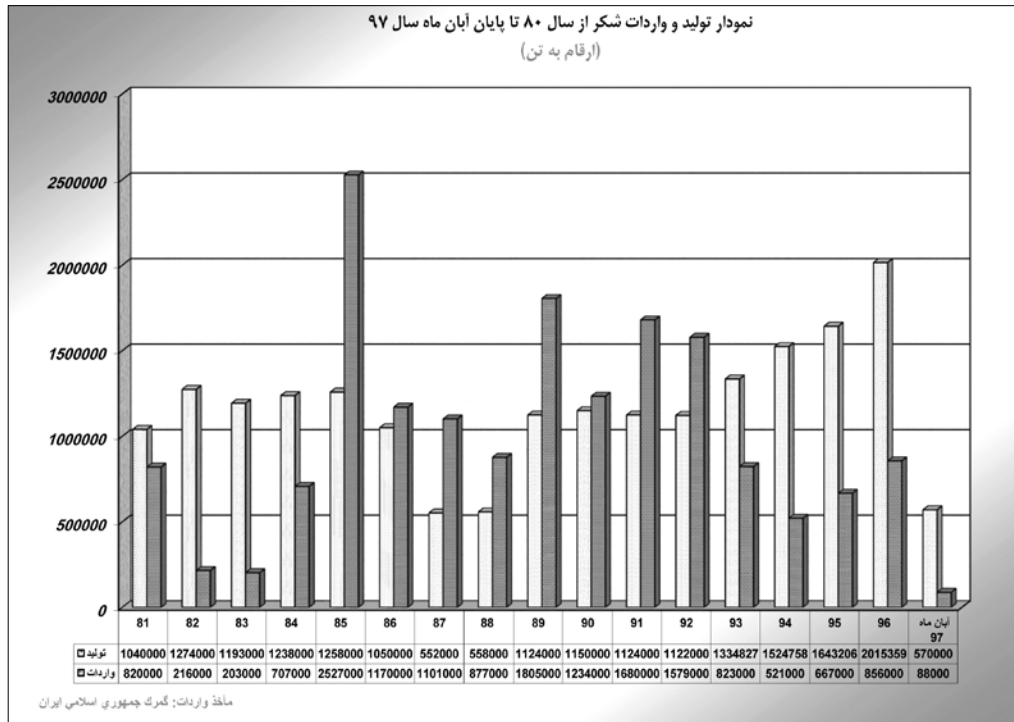




تغییر جای تولید و واردات در ۱۶ سال اخیر زندگی صنعت قند و شکر در ۳ دوره



صفحه ۸

جای خالی مهندس کشاورز پرشدنی نیست



وزارت جهاد کشاورزی داشت در این سال‌ها گام‌های بلندی برای تحقق هدف‌های بزرگ یادشده در حکم وزیر برداشت. مهندس عباس کشاورز یک متخصص عالی‌رتبه در کشاورزی، یک دولتمرد دلسوز به این مرز و بوم و یک انسان فروتن و خوش‌اخلاق است. شنیده شد مهندس عباس کشاورز حتی در شرایط تازه برای حضور یا عدم حضور نیروهای بازنشسته همچنان در مقام معاونت وزارت جهاد کشاورزی می‌ماند. نبود ایشان، ضربه‌ای مهلک بر طرح‌های نیمه‌کاره و کشاورزی ایران وارد می‌کرد. کشاورزان ایرانی و صنایع مرتبط از ابقای وی خرسندند.

در بهمن ماه ۱۳۹۲ بود که محمود حجتی وزیر جهاد کشاورزی دولت یازدهم عباس کشاورز را به عنوان معاون امور تولیدات گیاهی منصوب کرد. در حکم وزیر جهاد کشاورزی آمده بود: با توجه به وضعیت موجود و چالش‌های فراروی بخش کشاورزی انتظار دارد با بهره‌گیری از نیروهای متخصص و متعهد با اصلاح الگوی کشت، افزایش ضریب خودکفایی و استفاده از فناوری‌های نوین گام‌های مؤثری بردارد. همچنین در این حکم، به به کارگیری روش‌های جدید تولید، افزایش عملکرد در واحد سطح، توسعه کشت‌های مترکم گلخانه‌ای با توجه به مزیت و بهره‌وری بالا، گسترش تولید محصولات سالم و ارگانیک، توسعه مکانیزاسیون و بهبود سیستم‌های برداشت در نیل به خودکفایی و امنیت غذایی کشور تأکید شده بود.

مهندس کشاورز با پایمردی، مدارا، بردباری و قدرت متقاعدکنندگی فوق‌العاده یکی از مردان بااهمیت در رسیدن به خودکفایی گندم و شکر بود. امید است دولت دوازدهم به ویژه وزارت جهاد کشاورزی از مشورت‌های این دانشمند متخصص استفاده کند تا در حرکت‌های رخ داده در مسیر خودکفایی به توقف نرسد.

مهندس عباس کشاورز که تجربه و دانش و تسلط بالایی بر مباحث کشاورزی، آب و تحقیقات داشت و دارد و با توجه به ارتباط گسترده و نزدیک با خانه کشاورز و اتاق بازرگانی و بدنه تحقیقاتی

در صفحات دیگر می‌خوانید:

تمرکز روی ۲ دهم درصد غیر کارشناسانه است

صفحه ۷

قند و شکر سر بلند یا مغبون؟! در تغییرات قیمتی

صفحه ۶

منافع تجار با منافع تولید از یک جنس نیست

صفحه ۳

مشاغل برای بی‌فایدهگی و ایجاد تنش

صفحه ۲

سرمقاله

کارون را به سرنوشت هفت‌تپه دچار نکنیم

بهمن دانائی

جامعه ایرانی یکی از دوره‌های سرنوشت‌ساز و عجیب خود در تاریخ طولانی‌اش را تجربه می‌کند و هر رخدادی در هر اندازه و... با هر شکل و ماهیت در هر گوشه‌ای از این سرزمین و در روند کلی امور آتی مؤثر واقع خواهد شد. در این روزگار نه‌چندان خوش‌ایرانیان و ایران هر انسان دلسوز، آگاه به این مرز و بوم و هر گروه و جمعیتی که دل در گرو این کشور دارد باید از همه دانش، تخصص و تعهد خود استفاده کند تا از این شرایط غریب به سلامت عبور کنیم. هر گونه بی‌اعتباری و نادیدن واقعیت‌های ریز و درشت در هر حوزه‌ای برای ایران ارجمند یک صدمه و آسیب خواهد بود. به همین دلیل است که فاش‌گویی و بازگویی واقعیت‌های هر چند تلخ یک الزام و یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و چاره‌ای جز بیان آنها نداریم و باید کمی فداکاری اجتماعی را در دستور کار و وجدان افراد قرار داد تا با دیدن واقعیت‌ها شاید از ادامه برخی رخدادهای آسیب‌ساز جلوگیری شود.

ادامه در صفحه ۲

تحلیل

مزیت‌های ایران تا ابد باقی نمی‌مانند

محمدصادق جنان صفت

یکی از بدترین تصوورها درباره ایران که اکثریت سیاستمداران ایران دارند این است که دنیای ایستد تا ایرانیان همه گرفتاری‌های خود را در حوزه اندیشه، سیاست داخلی و سیاست خارجی حل کنند. آنگاه با هم به سوی پیشرفت و بهره‌برداری از طبیعت گام بردارند. این بدترین تصور معلوم نیست از کجا سرچشمه می‌گیرد، اما وجود دارد و آسیب‌های جدی بر ایران زده است و به نظر می‌رسد هنوز ادامه دارد. برای اینکه این مفهوم به دنیای واقعیت نزدیک شود کافی است که به رفتار ایران در نیم قرن اخیر در حوزه‌های گوناگون توجه کنیم. شاید ملموس‌ترین مثال در این باره تازه‌ترین داوری یکی از بازرگانان تهرانی صادرکننده فرش باشد. او می‌گوید، صادرات فرش دست‌بافت ایران به آلمان که یکی از مراکز اصلی فروش و صادرات این کالا بود تعطیل شده است. وی ابراز می‌کند که صادرات ۱۴۰ میلیون دلاری فرش دست‌بافت ایران به آمریکا نیز نابود شده است. این یک مثال روزآمد از قدر ندانستن برتری‌های ایران است. بدتر از این اما حرف کسانی است که می‌گویند حالا مگر چه اتفاقی می‌افتد؟

ادامه در صفحه ۲



کارون را به سر نوشت هفت تپه دچار نکنیم



ادامه از صفحه اول

ناکارآمد و نآشنایی که مالکیت و مدیریت این واحد را در اختیار گرفتند مزید بر علت‌های قبلی شده و کشت و صنعت هفت تپه را به روزهای بدفراجم فعلی کشاندند. نگارنده از ماه‌ها پیش و در نوشته‌های مختلف و گزارش‌های گوناگون در این باره که ممکن است برخی دشواری‌ها در کشت و صنعت خوزستان پدیدار شود را یادآور شده بود و نشریه شکر نیز چندین بار به این مسأله پرداخت و هشدار داد که متأسفانه دیده و شنیده نشد و به اندازه کافی در کانون توجه قرار نگرفت.

کارون در معرض تهدید

اما داستان نیشکر به همین جا خاتمه نمی‌یابد و ادامه وضع موجود می‌تواند وضعیت را بدتر کند. هم‌اکنون در صنعت شکر و به ویژه تولید شکر از نیشکر در خوزستان با معضلی به نام کشت و صنعت کارون مواجه هستیم که می‌تواند ادامه وضعیت هفت تپه باشد. سرنوشت این واحد بزرگ تولید شکر که از طرح‌های قدیمی است و هزاران نفر از مردم خوزستان در آن شاغل هستند و در چند سال اخیر نیز با رشد تولید و بهره‌وری شایسته‌ای برخوردار شده است. متأسفانه همان مسیری را طی می‌کند که هفت تپه طی کرده است. به این معنی که تاکنون بارها برای فروش سهام آن مزایده برگزار شده و خریداری مراجعه نکرده است و این نگرانی وجود دارد که مسئولین امر بدون مطالعه و با تعجیل و احیاناً با ترک تشریفات مزایده نسبت به واگذاری این واحد اقدام و شرکتی را که با تلاش فراوان مدیران و کارکنان آن به تازگی در مسیر هموارتری قرار گرفته است به هفت تپه‌ای دیگر تبدیل کند.

یکی از اقدام‌های ضروری برای جلوگیری از سقوط احتمالی کارون و کمی دورتر طرح بزرگ توسعه نیشکر خوزستان که چندین کارخانه دارد و هزاران نفر در آن فعالیت می‌کنند این است که مدیریت این شرکت‌ها را از دخالت سیاسیون و اشخاص غیرتولیدی رهایی بخشیم و اجازه دهیم که شرکت‌های مذکور در چارچوب قانون تجارت اداره شوند. در انتخاب مدیران از سهل‌طلبی حذر کنیم و بپذیریم که بنگاه‌های صنعتی تحمل خیل دخالت‌های خارج از سهامداران را ندارند. از دیگر اقدام‌های ضروری نیز این است که قیدها و بندهای تنیده شده بر صنعت اصل و قدیمی شکر را برداریم. در حالی که این صنعت در دهه‌های گذشته در انحصار دولت بوده است و توان رقابت با تولید خارجی را از دست داده بود با واقعی شدن نرخ ارز و مهار تورم قطعاً می‌تواند رقابت‌پذیر باشد. بدترین کارها این است که اجازه ندهیم تولید این محصول که در کل سبد مصرفی خانوارها کمتر از ۲ دهم درصد هزینه‌های کل است در بازار تعیین شود. قیمت‌گذاری دولتی، حمایت‌های ناکافی و رفتار پرنوسان درباره صنعت قند و شکر اکنون در خوزستان خود را نشان داده است و می‌تواند ادامه‌دار باشد. حالا که ایرانیان و مدیران ارشد دولت با معضل هفت تپه و مسایل پیرامون آن درگیر شده‌اند شاید بهترین زمان برای تجدیدنظر اساسی درباره این صنعت باشد. مدیران ده‌ها کارخانه قند و شکر در ایران امیدوارند که دولت دخالت‌های خود را در این صنعت کاهش دهد و به وعده‌های خود وفادار باشد تا شاهد تکرار وقایع هفت تپه نباشیم. کارخانه‌های قند و شکر را نباید با بنگاه اجتماعی یکسان بگیریم و از این کارخانه‌ها انتظار داشته باشیم به منفعت دولت از سود خود مایه بگذارند.

یکی از مسایل دشوار و حساس این روزهای میهن مجموعه خردادهایی است که در خوزستان در پیرامون پدیده‌ای به نام «کارخانه نیشکر هفت تپه» در جریان است. در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵ بود که مدیران وقت سازمان برنامه و بودجه با هدف زنده کردن کشت قدیمی نیشکر در خوزستان یک گروه مطالعاتی تشکیل دادند. برای این منظور یک گروه از کارشناسان سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (FAO) به ایران آمدند و در فروردین ۱۳۳۵ نخستین قرارداد میان سازمان برنامه و بودجه و شرکت عمران و منابع منعقد شد. کارلوس تی‌شاردان رییس سابق دانشگاه پورتوریکو به ایران آمد و پس از مطالعات گوناگون تشخیص داد که خوزستان مناسب‌ترین محل برای کشت نیشکر در ایران است. به این ترتیب بود که در سال ۱۳۳۸ تسطیح زمین‌ها و پس از آن عملیات مربوط به احداث کارخانه نیشکر هفت تپه آغاز و در آذرماه ۱۳۴۰ برداشت از اراضی این کارخانه در سطح ۲۴۰۰ هکتار ممکن شد. شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه قدیمی‌ترین واحد تولید شکر از نیشکر در ۵۷ سال تاریخ خود روزهای خوش و ناخوش فراوانی به خود دیده تا رسیده‌ایم به امروز که به یک معضل تبدیل شده است.

بیمار واگذار شده

یک واقعیت تلخ و یک گزاره درست و کارشناسی این است که بپذیریم کشت و صنعت هفت تپه همانند سایر واحدهای تولیدی در ایران با بیماری‌های گوناگون دست و پنجه نرم می‌کرد. سیاست‌های تجاری، ارزی، پولی و بانکی که بر نظام تولید ایران حاکم بوده و هست و هرگز نیز با کار تولید صنعتی سازگاری نداشته و تناقض‌های ذاتی نیز با هم و با تولید دارند نه تنها صنعت را بلکه واحدهایی مثل کشت و صنعت هفت تپه را نیز بیمار کرده بود. از طرف دیگر شرایط اقلیمی خوزستان به طور ویژه و ایران به طور اعم که به کم آبی و شرایط اضطراری منجر شد و کشاورزی خوزستان را دشوار کرد نیز مزید بر علت شد و تولید را در این واحد سخت کرد. اگر رفتار سیاسی مردان بانفوذ سیاسی در نهادهای دولتی، مجلس و سایر نهادهای محلی را که بر پایه تضاد منافع حرکت می‌کنند و اکثریت واحدهای بزرگ را درگیر می‌کنند نیز بر علل یادشده بیفزاییم شدت بیماری نیشکر هفت تپه را بیش از پیش احساس خواهیم کرد. در این وضعیت بود که دولت تصمیم گرفت سهام این واحد تاریخی و بزرگ را به بخش غیردولتی واگذار کند. دولت و نهادهای مرتبط با خصوصی‌سازی پیش از اینکه هدف نهایی بهبود وضعیت یک بنگاه دولتی بیمار را در دستور کار قرار دهند، می‌خواستند آن را از سر باز کنند و خود را از تیمارداری یک کارخانه مشکل‌دار رها کنند. بنابراین در جریان فروش سهام کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، کارآمد کردن این واحد در مرحله چندم توجه مدیران قرار داشت و بیشترین دغدغه این بود که آن را فروخته و منابعی هم برای دولت فراهم شود. در چنین وضعی بود که اهلیت خریدار سهام این شرکت قدیمی که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر خصوصی‌سازی به حساب می‌آید لایذ چندان در کانون توجه قرار نگرفت و سهام آن گویا به گروهی از سرمایه‌گذاران فاقد تجربه و دانش این صنعت پیچیده داده شد. از پیش معلوم بود که مدیریت

مزیت‌های ایران تا ابد باقی نمی‌ماند

ادامه از صفحه اول

چند صادرکننده هم ورشکست شوند مگر چه اتفاقی برای کل جامعه ایران رخ می‌دهد. این افراد هرگز چشم‌هایشان دنیای واقعی را نمی‌بینند و تصویری ندارند که ۴۰۰ میلیارد دلار صادرات فرش (که از یک میلیارد دلار دهه ۱۳۷۰ به این رقم رسیده است) حجم بزرگی از خانواده‌های روستائین ایران را به دام بدهی هرچند شاید اندک می‌اندازد. مثال دیگر در این باره بندر چابهار است که سیاستمداران ایران به مدت نیم قرن از اجرای طرح‌های تهیه شده برای توسعه آن غفلت کرده‌اند و تصوّرشان این بود که هرگاه فرصت شد از این بندر راهبردی استفاده خواهیم کرد. حالا اما چین آزمون راهبردی و هوشمند به همراه رهبران احزاب پاکستانی توسعه بندر گوادر را به جایی رسانده‌اند که ایران شاید هرگز نتواند از چابهار همان کارآمدی را به دست آورد که در ذهن‌ها وجود داشت.

آیا پاکستان و چین هم‌سطح ایران ماندند؟ آیا پاکستان و مصر و ترکیه هم‌سطح فرش دست‌بافت ایران ماندند؟ آیا کره جنوبی که حالا با وجود نداشتن هیچ ذخیره نفت و گاز ۳ برابر ایران فرآورده‌های پتروشیمی صادر می‌کند هم‌سطح ایران مانده است؟ آیا کشور کوچک قطر در همسایگی ایران هم‌سطح شد تا ایران از نظر تامین سرمایه و تولید گاز از پارس جنوبی به این کشور برسد یا زودتر و تندتر شروع کرد و بازارهای جهانی را به تسخیر خود درآورد. آیا سرمایه‌داران آمریکایی منتظر ماندند ایران به تکنولوژی روزآمد استخراج و تولید نفت برسد تا پس از آن با تکنولوژی روزآمد و کارآمد از ماسه‌ها نفت استخراج کرد و تولیدش را به صدر تولید جهان رساند؟ می‌توان از این دست مثال‌ها فراوان زد و غصه خورد اما این چه فایده‌ای دارد؟ رهبران احزاب سیاسی ایران و سیاستمداران ایرانی با هر اندیشه و مرام و اهداف پنهان و پیدایی که دارند آیا می‌خواهند بازهم همانند نیم قرن اخیر تصوّرات غیر منطقی از توانایی‌های ایران و جهان را جایگزین واقعیت‌ها کنند؟ این بدترین روش و راهبرد برای اداره کشوری است که همسایه‌های آن به فاصله و پس از آن به دنبال پیشرفت‌های سریع هستند و هرگز اجازه نمی‌دهند ایران یا هر کشور دیگری به سرعت از آن‌ها بگذرد؟ آیا به این اندیشیده‌ایم که آینده این سرزمین چیست؟ به آن‌ها که تصویری غیرعقلانی از تحولات دنیا و ایران دارند آیا نمی‌بینند بهترین نیروهای ورزیده ایران تمایلی به مهاجرت دارند؟ آیا باید منتظر باشیم باقیمانده مزیت‌های تاریخی، طبیعی و انسانی این کشور به انتهای خط برسند و ایران بماند و دنیایی خالی از امکانات؟ شاید حالا وقت آن باشد که خواننده ارجمند بپرسد خب چه می‌توان کرد؟ گام اول را باید از کجا برداشت؟ به نظر نگارنده، گام نخست این است که ذهن جامعه ایرانی و کلیت این جامعه به این نتیجه برسد که مزیت‌های تاریخی و طبیعی ایران، مزیت‌هایی نیستند که تا ابد بمانند و باید بدانند دنیا معطل ایران نمی‌ماند که مجادله‌های داخلی و خارج آن کاهش یابد و با هم به سوی گنج پیش بروند. هر سرزمین و هر جامعه‌ای در دنیای پر از رقابت امروز به این می‌اندیشد که گلیم خود را از آب بیرون بکشد و راه خود را هموار کند.



شورای رقابت جانشین دیوان عدالت اداری

منافع تجار با منافع تولید از یک جنس نیست



مشاغلی برای بی‌فایده‌گی و ایجاد تنش

در دنیای کسب و کار به ویژه در دنیای انتصابات و دادن حکم به افراد در سازمان‌های دولتی اصطلاحات جذاب و معناداری پدیدار شده و مشهور شده‌اند. یکی از این اصطلاحات و عبارات هم این است که گفته می‌شود مردی دکمه‌هایی را به خیاطی برد و به او گفت برای این دکمه‌ها کت و شلوار بدوز. این عبارت هنگامی به کار برده می‌شود که برای یک فردی که قرار است به هر شکل در یک سازمان استخدام شود و یک اداره یا یک پست تأسیس می‌شود که بود و نبودش یکی است. در ایران به دلایل گوناگون این عبارات زیاد به کار برده می‌شود زیرا ایران یکی از بزرگ‌ترین دیوان‌سالاری‌های جهان و دولت‌های بزرگ را دارد. بسیار دیده و شنیده‌ایم فردی به این دلیل که هیچ تخصص خاصی ندارد و هیچ تجربه به دردی ندارد تنها به این دلیل که یک مدیر بالادستی خواسته است، او در یک وزارتخانه استخدام می‌شود و به دلیل اینکه آن مدیر بالادستی حکمش نافذ بوده است متأسفانه در یک مسؤلیت قرار می‌گیرد که نباید باشد. بدتر از این اتفاق اما زمانی رخ می‌دهد که آن فرد که خود می‌داند بدون دلیل موجه تخصصی به کاری گمارده شده است پس از یک مدت امر به وی مشتبه می‌شود که تخصص و توانایی ذاتی داشته و دارد و به ناگاه از سوی مقام‌های بالاتر کشف شده است. چنین افرادی به جای اینکه از مقام مافوق خود تشکر کرده و فعالیتی در مسیر افزایش تخصص و تعهد خود انجام دهند و فروتنانه و بر اساس عرف و عادت و آداب در جایی که به کار گرفته شده است فعالیت کند اما رفتار دیگری را در پیش می‌گیرد.

این اتفاق اگر در فعالیتی انجام شود که یک فعالیت تخصصی چند سویه و چندجانبه است و فرد به کار گمارده شده نیز تواضع نداشته باشد کارها گره می‌خورد و تداخل و موازی کاری و ندانم‌کاری به اوج می‌رسد. شاید برای یک فعالیت که مدیریت متمرکز ندارند و عرضه‌کنندگان و فعالان آن فعالیت نیز بر شمارند، وجود یک فرد به‌عنوان متولی آن هم برای یک مقطع تعریف شده مفید باشد. اما برای یک فعالیت قدیمی که دارای سازمان مشخص و تخصصی است و فعالان آن عرصه از فردی که برای امور یادشده گمارده شده است بیشتر می‌دانند، نصب یک فرد غیرمتخصص و تازه‌وارد که سودای نامدار شدن نیز دارد یک رخداد زیان‌آور است. برای فردی که تخصص ندارد و نمی‌داند در شرایط سخت و در شرایط حساس فنی - اقتصادی چه حرفی باید بزند که موجب انسجام شود و چه تصمیمی باید بگیرد که به توانایی‌های آن فعالیت افزوده شود بهترین کار این است که هر از چند گاه حرف‌های عجیب و هیجان‌انگیز بزند، افرادی که از جنس این افراد که تنها برای عقب‌نماندن از قافله و برای اینکه آدرس غلط به مدیران ارشد بدهند حرف‌های تنش‌زا می‌زنند و رد پای ناکارآمدی خود را گم می‌کنند. این چنین افرادی اگر اندکی تعهد اخلاقی داشتند اولاً، قبول نمی‌کردند در کاری که تخصص ندارند وارد شوند، ثانیاً حالا که به هر دلیل یک منصب دولت ساخته را به دست آورده‌اند با متخصصان مشورت کرده و راه را برای سازگاری فراهم می‌کنند.

تجربه نشان داده است افرادی که جسورانه و با وجود اینکه در ضمیر ناخودآگاه خویش می‌دانند تخصصی ندارند اما به جای همکاری تلاش دارند همه چیز را از تعادل خارج کنند، از سوی فعالان آن صنعت و صنف طرد شده و بایکوت می‌شوند و به این ترتیب فلسفه وجودی شغلی که بر اساس دلایل غیرکارشناسی به دست آورده‌اند بی‌معنی خواهد بود. کاش روزی برسد که در دنیای کسب و کار ایرانیان شاهد حضور افراد کم‌سواد، پرمدعا، ماجراجو و تنش‌زا نباشیم و هر فردی بر اساس لیاقت‌ها و شایستگی‌هایش به مقام و منصبی برسد و موجب نشود تا کارها به بی‌فایده‌گی برسند.

بود. به این ترتیب دولت از یک طرف بدهی خود به کارخانه‌ها را پرداخت و از طرف دیگر تولیدکنندگان یعنی ده‌ها کارخانه و نه یک فرد و گروه حقیقی نیز بخشی از مطالبات خود را به دست آوردند. اما واقعیت این است که سود ۲۰۰ میلیارد تومانی برای واردات این میزان از شکر برای چند تاجر عمده رقم کمی نبوده و آنها هرگز از این رقم ۲۰۰ میلیارد تومانی چشم‌پوشی نمی‌پوشند.

تجاری که منافع سرشاری از دست داده بودند ابتدا به شورای رقابت شکایت کردند و این شورا در بررسی نخستین خود با توجه به مستندات ارائه شده از سوی وزارت جهاد کشاورزی متکی بر اختیارات قانونی این وزارتخانه که از تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی سرچشمه می‌گیرد و همچنین مصوبه‌ای که در زمستان ۱۳۹۴ از سوی کارگروه تنظیم بازار ارائه و ابلاغ شده بود دادن اختیارات تنظیم بازار شکر و واردات شکر از سوی کارخانه‌ها را درست اعلام کرده بود. اما مرکز ملی رقابت (هیأت تجدیدنظر) رأی تأمل‌برانگیز مبنی بر وارد دانستن خواسته تجدیدنظرخواهان را اتخاذ و به شورای رقابت برای اجرا ابلاغ کرده است. واقعیت این است که این کار مرکز ملی رقابت و اجرای آن از طرف شورای رقابت این شبهه را ایجاد می‌کند که مرکز ملی رقابت خود را در نقش دیوان عدالت اداری فرض کرده است. بر پایه مستندات قانونی و تجربه سال‌های اخیر نقض یک دستور از طرف یک نهاد دولتی با شکایت بخش خصوصی تنها در ذیل اختیارات دیوان عدالت اداری است و ورود شورای رقابت به مجادله‌ای که یک طرف آن یک نهاد دولت است برخلاف قانون‌های موجود است.

آیا دولت دوازدهم که باید تحت شرایط ویژه امروز از تولید داخلی کالایی مهم مثل قند و شکر حمایت کند حاضر است منافع هزاران کارگر شاغل در ده‌ها کارخانه و منافع هزاران چغندرکار و نیشکرکار پراکنده در پهنه سرزمین را زیر پای یک گروه از تجار قربانی کند؟ تادیر نشده است و این وضعیت تأسف‌آور گریبان صنعت قند و شکر را به چنگ نگرفته و موجب نگرانی خانواده بزرگ صنعت قند و شکر نشده است نسبت به تجدیدنظر اساسی در خصوص رأی صادره مرکز ملی رقابت اقدام شود. این تصمیم کارساز و منطقی بر منافع دولت و تولید در سال‌های گذشته روزنه‌امیدی برای کارخانه‌ها بود تا بخشی از مطالبات خود را از محل منافع مازاد بر سود متعارف شکر وارداتی بگیرند و نباید این راه مسدود شود. در حال حاضر هزار میلیارد تومان از مطالبات کارخانه‌ها نزد دولت بلوکه شده و کارخانه‌های ذینفع در ۴ سال تازه سپری شده با استقراض از بانک‌ها مجبور به دادن میلیاردها تومان بهره به بانک‌ها شده است.

یادآوری این نکته بسیار بااهمیت که دولت یازدهم توانست با رویکردی ملی‌گرایانه و با کنترل واردات، تولید شکر را از ۱/۱ میلیون تن به ۲ میلیون تن افزایش دهد و این یعنی حذف منافع بزرگ چند تاجر و البته صرفه‌جویی در مصرف دلارهای کمیاب که موجی از ناراحتی برای واردکنندگان شده است. در وضعیت که تولید شکر با پایداری کارخانه‌ها از ۵۰۰ هزار تن در سال‌های بحرانی به ۲ میلیون تن رسیده و موجب ارتقای منافع گروهی از خانواده‌های تولیدی در کارخانه‌ها و در مزرعه شده است، نباید با برخی تصمیم‌های غلط راه دوباره به نقطه غم‌انگیز شروع دوم دهه ۱۳۸۰ شود.

نهادهای و سازمان‌های دولتی در هر جامعه‌ای با هدف تسهیل امور نهادهای مدنی شامل خانواده‌ها و بنگاه‌ها تأسیس می‌شوند. بر همین اساس است که تدوین قانون و اساسنامه این نهادها گونه‌ای تدوین می‌شود که بیشترین کارآمدی را داشته باشند و کمترین مزاحمت و آسیب را برای بنگاه‌ها و خانواده‌ها ایجاد کنند. با این همه، دیده شده است که تفسیر گسترده و غیر کارشناسانه از وظایف، مأموریت‌ها و اختیارات نهادهای دولتی از سوی مدیران آنها به دردر تبدیل شده و امور را از جاده اصلی خارج می‌کنند. یکی از دشواری‌ها در این باره عبور از اختیارات توسط نهادهای و مدیران آنهاست و این مسئله در کشورهایی که شرایط اجرای قانون با دخالت‌ها و نفوذها نقض می‌شود دیده شده است. با توجه به نکات یادشده است که می‌توان کاری که شورای رقابت درباره واردات شکر و تنظیم بازار انجام داده و اکنون به یک معضل تبدیل شده را در زمره همان کج‌فهمی از اختیارات یک نهاد تلقی کرد. اصل داستان این است که گروهی از واردکنندگان شکر خام که در سال‌های اخیر با رشد تولید قند و شکر تولید داخل از یک طرف و ارجاع وظیفه واردات شکر به کارخانه‌های قند و شکر از سوی دیگر مواجه شده و شرایط را برای فعالیت‌های رانت‌جویانه خود نامساعد می‌دیدند به شورای رقابت شکایت کرده و خواستار حذف اختیارات سهمیه‌بندی واردات شکر از سوی این نهاد صنفی که در همه کارخانه‌های موجود تولیدی را در برمی‌گیرد، شده‌اند. این گروه از واردکنندگان در حالی خواستار حذف این اختیارات به دلیل ادعای نقض رقابت شده‌اند که یک مقایسه نادقیق و نادرست و مغلطه‌آمیز مبنای این شکایت بوده است.

به این معنی که ماهیت داوری و مبنای ورود شورای رقابت به یک شکایت هنگامی توجیه قانونی و مبنای منطقی دارد که طرفین دعوا از یک جنس باشند. به طور مثال اگر یک گروه تجار بودند که انحصار واردات شکر را به هر دلیل در اختیار گرفته و راه ورود برای گروه دیگری از تجار را مسدود می‌کردند، شورای رقابت مسئله را وارد دانسته و شروع به مطالعه مورد مجادله می‌شد. اما اکنون در داستان شکر دو طرف دعوا از یک جنس نیستند و تولیدکنندگان شکر که همان کارخانه‌ها هستند را نباید از جنس واردکنندگان تلقی کرد و به این ترتیب به نظر می‌رسد اصل شکایت به همین دلیل مخدوش است و می‌بایست از دستور کار خارج می‌شد. در صورتی که این اتفاق رخ داده مبنای کار قرار گیرد و ماهیت متفاوت تولید از تجارت مورد توجه قرار نگیرد پایه‌ای بر اساس یک مقایسه نادرست برای این خواهد شد که تعادل‌های موجود به هم بریزد.

از طرف دیگر واقعیت این است که تصمیم اتخاذ شده برای دادن اختیار واردات و تنظیم بازار شکر به کارخانه‌ها برای رسیدن به یک هدف بزرگ‌تر از طرف کارگروه تنظیم بازار که نهادی متشکل از نمایندگان چندین وزارتخانه و سازمان است اتخاذ شده است. این تصمیم در سال ۱۳۹۴ و در شرایطی اتخاذ شد که کارخانه‌های شکر بابت مابه‌التفاوت قیمت تعیین شده برای شکر از طرف نهادهای نظارتی و حمایتی و قیمت فروش کارخانه‌ها ارقام کلانی از دولت طلبکار بودند. دولت با طرح این مسئله و اتخاذ تصمیم برای دادن اختیار واردات شکر به کارخانه‌ها راهی برای تهاوت بدهی‌های خود به کارخانه‌های شکر و سود حاصل از واردات شکر پیدا کرده بود که رقمی نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان بابت واردات ۳۱۵ هزار تن شکر



کاهش مازاد شکر جهانی سال ۱۹-۲۰۱۸ به ۵/۵ میلیون تن سومین برآورد تراز جهانی شکر

۱۰ اکتبر ۲۰۱۸، نشریه بین‌المللی شکر و شیرین‌کننده‌ها (Folichts)



برزیل، درآمدهای حاصل از فروش شکر برحسب پول محلی را نسبت فروش شکر بر حسب دلار کاهش می‌دهد، بنابراین یک پشتیبان برای قیمت‌ها است.

یادآور می‌شود که F.O.Licht، معادل شکر چغندرهایی که به محصول نهایی شکر کریستالی تبدیل نشده را در برآوردهای تولید شکر خود به حساب نمی‌آورد (مثلاً مقادیر شکر قابل استحصال از چغندری که برای اتانول سوختی مورد استفاده قرار گرفته است). لذا این مسأله می‌تواند دلیل اختلاف گزارشات این نشریه با آمارهای برخی از انجمن‌های شکر و ارقام رسمی اتحادیه اروپا باشد. بعلاوه تمام اطلاعات ارقام تولید بر حسب ارزش خام ارایه شده‌اند و برای تبدیل به ارزش سفید می‌توان از ضریب ۰/۹۲ استفاده نمود.

زمان انتشار هر پیش‌بینی جدید، به روشنی اشاره می‌کنیم که پیش‌بینی‌های ما از تولید جهانی شکر براساس یک سال واحد است، ممکن است عنوان شود که این پیش‌بینی‌ها براساس سال زراعی هر کشور ارایه شده است در حالی که اطلاعات برای هر کشور بر مبنای یک دوره زمانی یکسان (اکتبر/سپتامبر) می‌باشد چراکه این نکته، پیش شرط پیش‌بینی‌های مربوط به تغییر موجودی (یعنی مازاد/کسری) در طول یک سال است. با وجود اینکه ممکن است بیان این مسأله برای خوانندگان متخصص خسته‌کننده باشد، هنوز هم ضروری است که این کار را انجام دهیم زیرا شواهد زیادی نشان می‌دهد که گاهی مبنای آمارها در زمان‌های مختلف تغییر می‌کند.

شواهد کنونی حاکی از این است که میزان تولید جهانی سال ۱۹-۲۰۱۸ (اکتبر/سپتامبر) با اندکی افزایش، از رکود ۱۹۲/۸ میلیون تن سال گذشته به ۱۹۲/۱ میلیون تن خواهد رسید که در مقایسه با پیش‌بینی قبلی اواسط ماه اوت، ۲/۱ میلیون تن کاهش نشان می‌دهد، لیکن پیش‌بینی می‌شود مصرف آشکار با ۱/۵ درصد افزایش نسبت به سال گذشته به ۱۸۶/۱ میلیون تن برسد که ۰/۴ میلیون تن بیشتر از برآورد ماه اوت است. این بدان معنی است که احتمالاً مازاد ۶/۳ میلیون تن شکر فصل گذشته، در فصل ۱۹-۲۰۱۸ به اندکی کمتر از ۵/۵ میلیون تن برسد. این رقم شامل ۰/۵ میلیون تن مصارف پنهان (تفاوت بین صادرات و واردات جهانی) سال ۱۹-۲۰۱۸ نیز می‌شود. بعبارت دیگر، مازاد تجمعی این دو فصل، از ۱۴/۵ میلیون تن قبل به ۱۱/۷ میلیون تن کاهش یافته است.

به طور کلی، بیشترین کاهش تولید سال ۱۹-۲۰۱۸ در اروپا دیده می‌شود، جایی که پیش‌بینی می‌شود تولید شکر با ۳ میلیون تن کاهش نسبت به سال جاری به ۳۱/۷ میلیون تن برسد. شرایط نامساعد آب و هوایی، خسارت زیادی به محصول چغندر قند این قاره وارد کرده و عملکرد آن را به کمتر از نتایج عالی دوره زراعی گذشته و میانگین دوره کاهش خواهد داد. پیش‌بینی می‌شود تولید شکر آسیا از ۷۸/۷ میلیون تن به ۸۰/۵ میلیون تن افزایش یابد زیرا به نظر می‌رسد افزایش تولید در هندوستان و چین، کاهش تولید تایلند و پاکستان را جبران کند. بر روی کاغذ می‌توان تولید ۳۹/۴ میلیون تنی آمریکای جنوبی در سال ۱۹-۲۰۱۸ (اکتبر/سپتامبر) را پیش‌بینی کرد که این رقم، افزایش مختصر حدود ۰/۵ میلیون تنی را نشان می‌دهد. افت شدید تولید شکر برزیل در فصل برداشت ۲۰۱۸، منجر به کاهش قابل توجه تولید نسبت به سال ۱۸-۲۰۱۷ شده است. تولید شکر آفریقا می‌تواند از ۱۱/۹ میلیون تن سال قبل به ۲۲/۴ میلیون تن فصل جاری به ۲۲/۸ میلیون تن برسد. نهایتاً، تولید شکر اقیانوسیه در سال ۱۹-۲۰۱۸ به ۵/۲ میلیون تن خواهد رسید که تغییری نسبت به سال قبل نشان نمی‌دهد.

قیمت قراردادهای آتی شکر خام جهانی نیویورک در هفته منتهی به ۱۰ اکتبر به حدود ۱۳ سنت در هر بوشل افزایش یافت، این رقم در ۲۷ سپتامبر به پایین‌ترین سطح ۱۰ ساله خود یعنی ۹/۸۳ سنت در هر بوشل رسیده بود. قراردادهای آتی شکر سفید بازار لندن نیز به ۳۵۰ دلار در هر تن نزدیک شد که نسبت به قیمت ۳۰۰/۵ دلاری ۲۲ اوت (کف قیمتی ۱۰ سال گذشته)، رشد قابل توجهی نشان می‌دهد.

سطح پایین قیمت‌ها طی حدود ۱۰ سال گذشته، نتیجه تداوم پیش‌بینی‌ها برای مازاد جهانی در سال شکر ۱۹-۲۰۱۸ (اکتبر/سپتامبر)، احتمال تصویب یارانه‌های صادراتی هند تا ۵ میلیون تن شکر و همچنین کاهش ارزش پول رایج برزیل بوده است. در اواسط ماه اوت، نرخ برابری پول برزیل در مقابل هر دلار آمریکا برای اولین بار پس از اوایل سال ۲۰۱۶ به کمتر از ۴ رنال کاهش یافت و در نهایت به ۴/۲۱۴۸ رنال رسید، چرا که نظرسنجی‌های انتخاباتی در آن زمان، حاکی از عدم اطمینان در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری ماه اکتبر و همچنین احتمال بازگشت یک دولت چپ‌گرا بود.



بازارهای برزیل و ارزش پول رایج آن کشور در هفته جاری و پس از انتخاب جیر بولسنارو به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری در دور اول انتخابات، با جهش رو به رشدی مواجه گردیده و باعث افزایش امید سرمایه‌گذاران به مهار افزایش کسر مالی و خصوصی‌سازی شرکت‌های مهم شد. شاخص سهام بورس برزیل با ۵ درصد افزایش، در روز دوشنبه به بالاترین سطح خود پس از ماه مارس رسید. عملکرد نرخ بهره بهره قراردادهای آتی به شدت کاهش یافت و ارزش پول رایج برزیل با ۲/۶ درصد افزایش به ۳/۷۵ رنال در مقابل هر دلار رسید که قوی‌ترین سطح رنال پس از ماه اوت است. بازارهای برزیل در هفته‌های اخیر رشد داشته‌اند چرا که نظرسنجی‌ها، شرایط مناسبی را برای انتخاب بولسنارو نشان دادند. بولسنارو در دور دوم انتخابات در تاریخ ۲۸ اکتبر با فرناندو حداد چپ‌گرا (شهردار سابق ساووپائولو) رقابت خواهد کرد. افزایش اخیر ارزش پول



اروپا

ممکن است تولید شکر اروپا در سال ۲۰۱۸-۱۹ با ۳ میلیون کاهش نسبت به سال قبل، ۳۱/۷ میلیون تن برسد که ۰/۶ میلیون تن کمتر از برآورد ماه اوت است. با توجه به ثبات نسبتاً زیاد سطح زیرکشت، کاهش عملکرد شکر در مقایسه با مقادیر بسیار خوب (و تا حدی رکورد) سال ۲۰۱۸-۱۹، عامل این افت تولید است، به نظر می‌رسد تولید شکر در اتحادیه اروپا با حدود ۳/۱ میلیون تن کاهش، به ۱۹ میلیون تن برسد گرما و خشکی هوا در اکثر کشورهای این منطقه، عملکرد چغندر قند را به شدت کاهش داده است.

افزایش تولید شکر کشورهای در حال توسعه به بالاترین سطح

به نظر می‌رسد تولید شکر کشورهای صنعتی با کاهش قابل ملاحظه و عمدتاً به دلیل کاهش تولید اروپا، از ۴۸/۶ میلیون تن سال ۲۰۱۷-۱۸ به ۴۵/۶ میلیون تن در سال ۲۰۱۸-۱۹ برسد. با این حال، این سطح هنوز در رتبه دوم بالاترین میزان تولید طی دهه گذشته است چراکه تولید این گروه از کشورهای طی دو سال گذشته ۹/۱ میلیون تن افزایش داشته است. در مقابل، پیش‌بینی می‌شود تولید شکر کشورهای در حال توسعه در فصل آینده به بیش از ۲/۳ میلیون تن افزایش مواجه باشد چرا که تولید بیشتر هند ممکن است تولید کمتر تایلند و پاکستان را جبران کند و در مجموع، تولید این گروه را به بالاترین سطح خود یعنی ۱۴۶/۵ میلیون تن برسانند.

انتظار می‌رود تولید شکر در کشورهای واردکننده به رقم بی‌سابقه ۱۰۰/۵ میلیون تن برسد که ۱/۱ میلیون تن بیشتر از سال قبل می‌باشد هند همچنان دلیلی بر ثبات تولید این گروه است. تولید شکر در کشورهای صادرکننده نیز ممکن است از ۹۳/۴ میلیون تن سال قبل به ۹۱/۵ میلیون تن کاهش یابد.

تقاضای جهانی شکر در سال ۲۰۱۸-۱۹ چگونه خواهد بود؟

برآورد می‌شود مصرف جهانی شکر در سال ۲۰۱۸-۱۹، رشدی در حدود ۱/۵ درصد داشته باشد که مشابه فصل گذشته است.

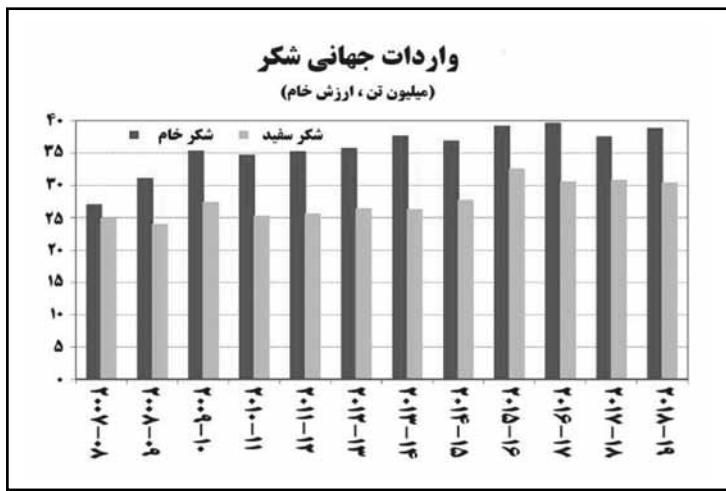
به نظر می‌رسد مصرف شکر در هند بعنوان بزرگترین مصرف‌کننده شکر جهان، با نیم میلیون تن افزایش به رقم ۲۷/۷ میلیون تن در سال ۲۰۱۸-۱۹ برسد. این افزایش تقریباً مشابه رشد فصول قبل است. بدیهی است که افزایش جمعیت، رشد مصرف هند را تقویت می‌کند. علیرغم کاهش نرخ رشد از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی رشد سالانه جمعیت هند همچنان در حدود ۱/۱ درصد (تقریباً هم‌سطح با میانگین جهانی) بوده است. به عبارت دیگر، جمعیت کنونی ۱/۳۵ میلیارد نفری این کشور، سالانه کمتر از ۱۵ میلیون افزایش می‌یابد. حدود ۳۳ درصد جمعیت هند شهرنشین هستند و مصرف سرانه آنها بیشتر از مناطق روستایی است.

علاوه بر این، تخمین‌ها برای هند در سال ۲۰۱۸-۱۹ دارای پتانسیل‌هایی برای بازنگری رو به بالا است زیرا قیمت‌های داخلی شکر به واسطه افزایش شدید تولید داخلی سال ۲۰۱۷-۱۸ و پیش‌بینی افزایش بیشتر تولید فصل جاری، کاهش یافته است. در واقع، قیمت‌ها در بازار بمبئی از ۴۱ روپیه برای هر کیلوگرم در مارس ۲۰۱۷ به کمتر از ۲۵ روپیه برای هر کیلوگرم در ماه می ۲۰۱۸ رسیده است. تصویب حداقل قیمت ۲۹ روپیه برای هر تن درب کارخانه توسط دولت هند، قیمت‌ها را به حدود ۳۰ روپیه برای هر کیلوگرم افزایش داد اما همچنان به میزان قابل توجهی پایین‌تر از ارقام ۳۸-۳۹ روپیه زمان مشابه سال گذشته است. با توجه به اینکه کشتش قیمتی تقاضای شکر در یک کشور در حال توسعه مانند هند بسیار بالاتر از کشورهای صنعتی مانند ژاپن، ایالات متحده و یا آلمان است منطقی به نظر می‌رسد که فرض کنیم مقدار مصرف می‌تواند از این طریق تقویت شود.

جمعیت در سال ۲۰۱۸ به ۵/۵ میلیون نفر کاهش یابد که حدود ۲ میلیون نفر کمتر از سه سال پیش است، این رقم با رشد ۲۰ میلیون نفری سال ۱۹۹۰ قابل مقایسه است. علاوه بر این، در حال حاضر ۵۹ درصد جمعیت چین شهرنشین هستند، بدان معنی است که رشد آتی مصرف عمدتاً از رشد اقتصادی حاصل خواهد شد.

واردات نسبتاً کم چین نشان می‌دهد که مصرف شکر این کشور بواسطه جایگزینی شیرین‌کننده‌های ارزان‌قیمت ذرت، کاهش یافته است. در حالی که پیش از این در تراز ماه آوریل، مصرف شکر چین برای سال ۲۰۱۷-۱۸ را به ۱/۷ میلیون تن کاهش دادیم، اکنون فرض می‌کنیم که مصرف برای سال ۲۰۱۸-۱۹ در همین سطح باقی خواهد ماند (که یک بازبینی رو به پایین ۰/۲ میلیون تنی نسبت به پیش‌بینی قبل را نشان می‌دهد).

بعلاوه، شکر به عنوان عامل مضر سلامت در سراسر جهان مورد حمله قرار گرفته و برخی از سیاستمداران معتقدند که این ماده، عامل اصلی چاقی است. در نتیجه وضع مالیات روی نوشیدنی‌های غیرالکلی شیرین شده با شکر در بهار امسال در انگلستان و ایرلند، به همراه اقدامات مشابه در چند کشور دیگر به اجرا گذاشته شد. در حال حاضر مالیات‌های مشابهی در ۲۸ کشور از جمله مکزیک، شیلی، مصر و مناطق بزرگ شهری ایالات متحده وجود دارد. در آسیا نیز کشورهای فیلیپین و سریلانکا به همراه تایلند، وضع مالیات شکر را مطرح کرده‌اند. با توجه به نرخ مالیات‌ها، به نظر می‌رسد بتوان با اطمینان اعلام کرد که این مسئله سرانجام بر میزان مصرف این نوشیدنی‌ها تأثیر می‌گذارد.



مهم‌تر از همه، تولیدکنندگان مواد غذایی و نوشیدنی برای جلوگیری از پرداخت مالیات‌های فوق، مقدار شکر محصولات خود را کاهش داده و شیرین‌کننده‌های مصنوعی را جایگزین شکر می‌کنند. آنها همچنین اندازه و تنوع محصولات شکر خود را نیز کاهش می‌دهند. این مسئله در نهایت می‌تواند تأثیر بیشتری بر کاهش مصرف شکر از طریق مصرف نوشابه‌های غیرالکلی داشته باشد. در مجموع، انتظار داریم کل مصرف جهانی شکر در سال ۲۰۱۸-۱۹ با ۱/۵ درصد افزایش به ۱۸۶/۱ میلیون تن برسد. این رقم در حدود ۲/۸ میلیون تن بیشتر از مصرف سال گذشته خواهد بود.

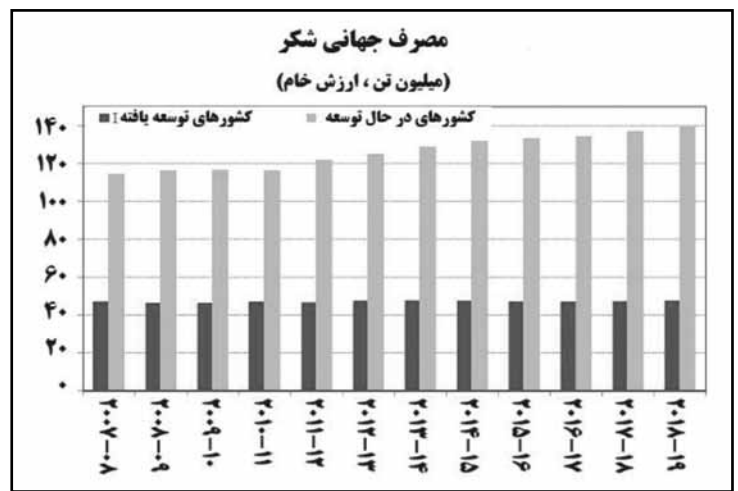
رکورد جدید مصرف شکر آسیا

انتظار می‌رود مصرف شکر آسیا در سال ۲۰۱۸-۱۹ به ۸۸/۸ میلیون تن افزایش یابد که از ۸۷ میلیون تن سال قبل بیشتر است. این افزایش عمدتاً به واسطه رشد مورد انتظار برای هند است. به نظر می‌رسد مصرف شکر اروپا در سال ۲۰۱۸-۱۹ به حدود ۳۱/۱ میلیون تن (در مقایسه با ۳۱ میلیون تن قبل) برسد، با این حال احتمال می‌رود مصرف شکر آمریکای شمالی و مرکزی با ۰/۲ میلیون افزایش نسبت به سال قبل به رقم ۲۱/۳ میلیون تن برسد. تصوّر می‌رود مصرف شکر در آمریکای جنوبی از ۲۰ میلیون تن به ۲۰/۳ میلیون تن افزایش یابد. که ۲/۵ درصد بیشتر از مصرف ۲۲/۵ میلیون تنی سال گذشته می‌باشد. میزان مصرف در اقیانوسیه به ۱/۶ میلیون تن می‌رسد که بسیار پایدار بوده و عملاً هیچ تغییری نسبت به سال گذشته نشان نمی‌دهد. استرالیا با ۱/۳ میلیون تن، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده شکر اقیانوسیه به شمار می‌آید.

بیشترین افزایش چهار ساله ذخایر جهانی در سال ۲۰۱۸-۱۹

پیش‌بینی می‌شود نسبت ذخایر به مصرف از ۴۰/۶ درصد فصل گذشته به ۳۷/۸ درصد فصل ۲۰۱۶-۱۷، به ۴۲/۹ درصد در سال ۲۰۱۸-۱۹ افزایش یابد. این بدان معنی است که ذخایر جهانی در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۹ از نظر نظری برای حدود ۱۵۷ روز مصرف جهانی کافی خواهد بود.

احتمالاً واردات روسیه در سال ۲۰۱۸-۱۹ از ۱/۳ میلیون تن فراتر نرود. علیرغم این که در حال حاضر این کشور به لحاظ آماری خودکفا است، لیکن به واردات شکر خام برای تصفیه‌خانه‌های خود در شرق دور ادامه می‌دهد، چرا که انتقال شکر چغندری به این ناحیه دوردست مقصور نیست. در مجموع، کل واردات شکر آسیا در سال ۲۰۱۸-۱۹ معادل ۳۵/۴ میلیون تن تخمین زده می‌شود که کمتر از ۳۵/۷ میلیون تن فصل گذشته است. به نظر می‌رسد واردات اروپا با اندکی افزایش به ۱۰/۵ میلیون تن برسد (منجمله تجار داخلی اتحادیه اروپا). به دلیل افزایش دسترسی داخلی، واردات آفریقا با کاهشی مختصر از ۱۵/۸ میلیون تن به ۱۵/۷ میلیون تن می‌رسد. واردات آمریکای شمالی و مرکزی به دلیل کاهش مورد انتظار در واردات ایالات متحده، از ۵/۴ میلیون تن سال قبل به ۴/۴ میلیون تن کاهش یافته است. واردات شکر به آمریکای جنوبی ناچیز است و می‌تواند به ۱/۹ میلیون تن در سال ۲۰۱۸-۱۹ برسد که عملاً تغییری نسبت به فصل قبل نداشته است.



مصرف شکر داخلی چین بعنوان دومین مصرف‌کننده بزرگ جهان (در سال ۲۰۱۸-۱۹ با ۰/۲ میلیون تن افزایش به ۱۷/۲ میلیون تن می‌رسد. شیرین‌کننده‌های ارزان‌قیمت ذرت در سال‌های اخیر، سهم بازار شکر را گرفته‌اند لیکن قیمت‌های ذرت در اوایل سال ۲۰۱۷ به پایین‌ترین حد خود طی هشت سال گذشته کاهش و پس از آن به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در مقابل، قیمت‌های داخلی شکر از ۶۹۰۰-۶۸۰۰ یوان برای هر تن به ۵۲۰۰-۵۱۰۰ یوان در همان دوره کاهش داشته است. در اوایل ماه اکتبر با افزایش قیمت‌های شکر به بالاترین قیمت چهار ماهه یعنی ۵،۴۰۰ یوان رسید. رقابت شکر با HFCS افزایش یافت. در همین حال، رشد سالانه جمعیت در کشور ۱/۴۲ میلیارد نفری به حدود ۰/۴ درصد رسید. این بدان معنی است که افزایش سالانه



قند و شکر سر بلند یا مغبون؟! در تغییرات قیمتی

در سال‌های اخیر روندی کاهنده داشته است و افزایش نرخ ارزهای معتبر به ریال در نیمه اول امسال را نیز لحاظ کنیم به این نتیجه می‌رسیم که کار بزرگ در روند خودکفایی شکر تا چه اندازه اهمیت داشته است.

آمار و اطلاعات منتشر شده در این گزارش نشان می‌دهد تغییرات گروه اصلی «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها» در یک سال منتهی به شهریور ۱۳۹۷ معادل ۱۷/۵ درصد بوده است که با یک محاسبه ساده می‌توان دید که این رشد تقریباً ۳ برابر رشد تغییرات قیمتی قند و شکر در یک سال یادشده است. علاوه بر این اعداد و ارقام این گزارش نشان می‌دهد در میان «کالاهای غیرخوراکی» نیز کمترین رشد قیمتی در یک سال منتهی به شهریور ۱۳۹۷ به پوشاک و کفش با ۹/۸ درصد و بیشترین رشد قیمتی در این گروه از کالاها به تفریح و امور فرهنگی با ۲۲/۵ درصد اختصاص داشته است که بسیار بیشتر از رشد ۵/۲ درصدی قند و ۵/۴ درصدی شکر است. این اعداد و ارقام باید در کانون توجه مدیرانی قرار گیرد که بدون توجه به فعالیت‌های پرشمار در مزرعه و در کارخانه انجام شده تا قیمت قند و شکر با کمترین افزایش در مقایسه با سایر کالاها مواجه شود، می‌خواهند فشار بر این کالا را در دستور کار قرار دهند.

یعنی صبحانه است بسیار با اهمیت‌تر از کالایی مثل ماست است که همه خانواده‌های ایرانی شاید خرید آن را در سبد مصرفی حتمی خود جای ندهند. دقت در تغییرات سالانه قیمت همه اقلام اساسی خوراکی در این جدول نشان می‌دهد که تغییر قیمت قند در یک سال منتهی به دوازده ماهه شهریور ۱۳۹۷ با ۵/۲ درصد تغییر یکی از کمترین افزایش نرخ‌ها را به خود اختصاص داده است. در حالی که کالایی مثل چای در یک سال حدود ۲۱ درصد رشد قیمت را تجربه کرده است و در شرایطی که گوشت گوسفندی با استخوان در همان مدت ۲۴/۵ درصد رشد قیمت را تجربه کرده است. در شرایطی که قیمت انواع برنج از ۵/۲ تا ۳۳/۵ درصد تغییر قیمت را تجربه کرده‌اند، **رشد ۵/۲ درصدی قند و رشد ۵/۴ درصدی شکر در یک سال از شهریور ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۳۹۷ نشان می‌دهد که پشت این تغییر اندک قیمت باید حقایق مهم را دنبال کرد. به این معنی که رشد تولید داخلی قند و شکر در سال‌های اخیر و کاهش واردات این محصول از خارج شرایط کمترین تغییر قیمت را نسبت به سایر کالاها فراهم کرده است. در صورتی که افزایش قیمت برنج وارداتی با ۳۳/۵ درصد و چای خارجی را با ۲۰/۹ درصد مبنای مقایسه قرار دهیم و یادآوری کنیم که نسبت واردات به عرضه کل شکر**

اعداد از پدیده‌های شگفت‌انگیز ذهن بشر به حساب می‌آیند که حالا به دلیل وفور آن اهمیت آنها کمتر به چشم می‌آیند. هر عدد و رقم متناسب به یک پدیده مادی می‌تواند در صورت مذاکره و کالبدشکافی رمز و راز آنها را آشکار کند و یادآور شود که چه رخ داده است. اعداد سنجاق شده به پدیده‌های مادی امکان مقایسه و استدلال و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را برای انسان و جامعه انسانی و نهادها و سازمان‌ها فراهم می‌کند. این گونه است که رویکرد به اعداد هر روز بیش از پیش می‌شود. انسان‌ها علاقه‌مندند بدانند که تغییرات یک پدیده مادی مثل تولید قند و شکر، قیمت آن در بازار، مقایسه قیمت این کالا با سایر کالاها را بدانند. نهادهای تولیدکننده آمار برای پاسخگویی به همین نیاز آدمی و سازمان‌ها زاد و رشد کرده و امروزه با شتاب‌گیری رونق تولید آمار در هر مقطعی از زمان می‌توان از تولیدات این سازمان‌ها استفاده کرد. بانک مرکزی ایران نیز در پایان هر ماه گزارش «شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران» را که بازتاب گسترده واقعیت‌های سرزمین ایران درباره کالاهاست را تولید و توزیع می‌کند.

یکی از تازه‌ترین تولیدات بانک مرکزی برای نیمه اول سال ۱۳۹۷ نشان می‌دهد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) در شهریورماه ۱۳۹۷ به عدد ۱۴۱/۹ رسید که نسبت به ماه قبل معادل ۶/۱ درصد افزایش داشت. شاخص مذکور نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۳۱/۴ درصد افزایش یافت.

طی شش ماه اول سال جاری شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به دوره مشابه سال قبل معادل ۱۷/۵ درصد افزایش داشته است.

میزان تورم در دوازده ماه منتهی به شهریور ۱۳۹۷ نسبت به دوازده ماه منتهی به شهریورماه ۱۳۹۶ معادل ۱۳/۵ درصد می‌باشد. شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در شهریورماه ۱۳۹۷ پس از حذف نوسانات فصلی نسبت به ماه قبل ۶/۴ درصد افزایش داشت.

شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در شهریورماه ۱۳۹۷ نسبت به ماه قبل در تمام استان‌های کشور با افزایش همراه بود. بیشترین میزان افزایش متعلق به استان خراسان جنوبی معادل ۹/۹ درصد و کمترین آن مربوط به استان فارس معادل ۴/۷ درصد بود. شاخص مذکور در استان تهران معادل ۵/۳ درصد افزایش داشته است.

همچنین در این گزارش می‌خوانیم در شهریورماه ۱۳۹۷، شاخص بهای گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نسبت به ماه قبل معادل ۶/۴ درصد افزایش داشت. این افزایش بیشتر ناشی از بالا رفتن شاخص بهای تعدادی از اقلام و گروه‌ها مانند گوشت دام معادل ۸/۵ درصد، سبزی‌های تازه (به جز خیار) ۱۵/۹ درصد، میوه‌های درختی به جز مرکبات (به جز سیب درختی و هلو) ۱۲/۶ درصد، مرکبات (به جز لیمو ترش) ۱۱/۵ درصد، لبنیات و تخم پرندگان ۶ درصد، خشکبار ۱۶/۵ درصد، انواع برنج ۳/۸ درصد، آشامیدنی‌ها ۸/۷ درصد، قند، شکر، مربا، عسل، شکلات و محصولات قنادی ۸/۲ درصد، ماهی و حیوانات دریایی ۱۱ درصد، گوشت مرغ ۲/۲ درصد، رب گوجه‌فرنگی ۲۴/۹ درصد، روغن‌ها و چربی‌ها ۴/۷ درصد، بیسکویت، کیک و شیرینی خشک ۴/۵ درصد، حبوبات ۳/۴ درصد، نمک و ادویه، سس‌ها و چاشنی‌ها و ترکیبات خوراکی ۵/۲ درصد، فرآورده‌های گوشت ۸/۹ درصد و سایر فرآورده‌های غلات ۲/۵ درصد بوده است.

ارقام جدول حاضر در این صفحه، تغییرات قیمت برخی اقلام اساسی خوراکی از زیرمجموعه شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران را نشان می‌دهد. برخی از اقلام این جدول شامل برنج، تخم مرغ، پنیر، گوشت گوسفند و گوشت مرغ، قند و شکر، چای و روغن نباتی در سبد مصرفی خانوارها وزن و اهمیت بیشتری دارند و تحولات قیمتی آنها وضعیت هزینه‌های خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طور مثال قند و شکر در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی به ویژه خانواده‌های با درآمدهای کمتر به دلیل اینکه مکمل یک وعده غذایی اصلی آنها

درصد تغییر برخی اقلام اساسی خوراکی از زیرمجموعه شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (۱۰۰=۱۳۹۵)

اقلام / دوره	شهریورماه ۱۳۹۷ نسبت به ماه قبل	شهریورماه ۱۳۹۷ نسبت به ماه مشابه سال قبل	دوازده ماه منتهی به شهریورماه ۱۳۹۷ نسبت به دوازده ماه منتهی به شهریورماه ۱۳۹۶
لبنیات			
ماست غیرپاستوریزه	۷/۵	۳۱/۰	۹/۷
ماست پاستوریزه	۵/۶	۳۵/۹	۱۶/۲
پنیر غیرپاستوریزه	۶/۲	۲۲/۱	۱۱/۲
پنیر پاستوریزه	۱۱/۳	۲۸/۳	۱۰/۰
کره پاستوریزه	۳/۸	۴۱/۹	۳۱/۲
شیر پاستوریزه	۴/۷	۲۵/۱	۹/۹
تخم مرغ			
تخم مرغ	۳/۴	۶۷/۰	۵۱/۲
برنج			
برنج وارداتی	۳/۶	۵۰/۰	۳۳/۵
برنج داخله درجه یک	۳/۷	۸/۷	۵/۲
برنج داخله درجه دو	۴/۸	۱۷/۰	۹/۷
حبوبات			
نخود	۴/۱	۵/۲	۲/۶
لپه نخود	۳/۴	۳/۷	۱/۹
عدس	۳/۱	۴/۷	۰-۷
لوبیا چیتی	۲/۶	۵/۳	۱۰/۶
لوبیا قرمز	۴/۴	۱۰/۱	۱۰/۷
گوشت قرمز			
گوشت گوسفند با استخوان	۵/۸	۳۶/۳	۲۴/۵
گوشت گاو و گوساله بی‌استخوان	۱۴/۸	۴۲/۳	۲۱/۱
گوشت مرغ			
گوشت مرغ	۲/۲	۲۹/۹	۱۰/۶
قند و شکر			
قند	۷/۴	۲۵/۰	۵/۲
شکر	۶/۵	۲۴/۸	۵/۴
چای			
چای خارجی	۶/۱	۳۸/۳	۲۰/۹
روغن نباتی			
روغن نباتی جامد	۳/۹	۲۵/۹	۱۲/۸
روغن نباتی مایع	۵/۰	۱۹/۳	۶/۹



تمرکز روی ۲ دهم درصد غیر کارشناسانه است

روند کاهنده مصرف

جدول حاضر در این صفحه نشان می‌دهد که در یک دوره ۱۰ ساله از ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ مصرف انواع اقلام خوراکی در میان خانوارهای شهری روندی کاهنده را تجربه کرده است. این ارقام نشان می‌دهد مصرف انواع برنج هر خانوار شهری از ۱۳۶ در سال ۱۳۸۷ به ۱۰۶ در سال ۱۳۹۶، مصرف انواع نان از ۴۴۵ به ۲۹۸، انواع شیر از ۲۱۵ به ۱۲۶ کیلوگرم کاهش داشته است.

همان‌طور که از ارقام این جدول برمی‌آید مصرف انواع قند نیز از ۲۷ کیلوگرم در سال برای یک خانوار شهری با کاهشی حدود ۴۰ درصد به ۱۵ کیلوگرم و انواع شکر نیز با کاهشی معادل ۴۷ درصد از ۱۵ کیلوگرم در سال ۱۳۸۷ به ۸ کیلوگرم در سال ۱۳۹۶ رسیده است.

نتیجه‌گیری

اعداد و ارقام یادشده با این هدف در این شماره از نشریه شکر درج شده است که به برخی نتایج برسیم که به طور خلاصه آنها را یادآور می‌شویم.

۱- اگر دولت و مدیران دهه‌ها سازمان نظارتی و حمایتی قصددارند رفاه خانوارهای ایرانی را در کانون حمایت قرار دهند آیا بهتر نیست به جای متمرکز شدن روی کالاهایی که سهم آنها از کل هزینه ناخالص خانوارها حدود ۷۶ درصد (کالاهای غیرخوراکی) است متمرکز شده و قیمت آنها را کنترل کنند؟ اگر دولت و سازمان‌های نظارتی به جای تمرکز بر روی کالاهایی که سهم آنها از کل هزینه‌ها فقط ۲۴ درصد است روی بقیه کالاها تمرکز کنند رفاه خانواده‌ها افزایش بیشتری را تجربه خواهد کرد. به طور مثال سازمان‌های قیمت‌گذار آیا بهتر نیست به جای اینکه روی قیمت قند و شکر که سهم آن در کل هزینه‌های خانواده‌ها نزدیک به ۲ دهم درصد است روی کالاهای دیگر مثل مسکن و اجاره مسکن متمرکز شوند و قیمت آنها را کنترل و کاهش دهند؟

۲- اگر قرار بر حمایت از کالاهای داخلی است نیز باید به جای تمرکز بر روی تعرفه واردات انواع خودرو بر روی کالاهایی مثل قند و شکر توجه کرد که تقریباً همه خانواده‌های ایرانی آن را مصرف می‌کنند.

۳- ارقام جدول حاضر در این صفحه نشان می‌دهد خانواده‌های ایرانی به هر دلیل که می‌تواند آگاهی نسبت به مضرات مصرف بیش از اندازه قند و شکر به طور مستقیم از مصرف خود کاسته‌اند. آیا این ارقام نباید مبنای تصمیم‌گیری برای تنظیم بازار باشد؟ برخی افراد هنوز برای واردات قند و شکر به مصرف خانوارها در سال‌های قبل تکیه می‌کنند که آمار این جدول خلاف گمانه‌زنی‌های آنها را نشان می‌دهد.

سال ۱۳۹۶ یک خانوار ایرانی ساکن شهرها رقمی برابر با ۸۱۵۹۱ تومان برای خرید قند و شکر اختصاص داده است. با توجه به اینکه «بعد خانوار» در سال ۱۳۹۶ بر اساس گزارش بانک مرکزی ۳/۲۸ نفر بوده است یک محاسبه ساده نشان می‌دهد یک ایرانی ساکن شهرهای ایران در سال ۱۳۹۶ رقمی معادل ۲۷ هزار تومان برای خرید شکر اختصاص داده است. در صورتی که این رقم را باز هم جزئی‌تر کنیم، می‌توان به عدد حدود ۹۰۰ تومان در ماه و کمتر از ۳۰ تومان در روز رسید. یعنی یک ایرانی در سال ۱۳۹۶ رقمی کمتر از ۳۰ تومان برای مصرف شکر اختصاص داده است. این در حالی است که یک خانوار شهری ایران در سال ۱۳۹۶ بر اساس گزارش بانک مرکزی رقمی برابر با ۱۳۸۸۶۴ تومان برای مصرف دخانیات هزینه کرده است که ۷۰ درصد بیشتر از هزینه‌ای است که برای خرید شکر اختصاص داده است. بر اساس آمارهای ارائه شده از بودجه خانوارها در سال ۱۳۹۶ یک خانوار شهرنشین ایرانی رقمی معادل ۱۳۵۶۵۷۹ تومان برای خرید انواع گوشت دام اختصاص داده است که یک محاسبه نشان می‌دهد این رقم نزدیک به ۱۶ برابر رقمی است که برای خرید قند و شکر هزینه کرده است.

شکر و مبلمان

بانک مرکزی گزارش کرده است در سال ۱۳۹۶ یک خانوار شهری رقمی برابر با ۵۵۱۹۶۷ تومان برای مبلمان اثاث، فرش و انواع کفپوش هزینه کرده است که ۱/۳ درصد کل هزینه‌های ناخالص یک خانوار شهری است. این در حالی است که هزینه اختصاص یافته به قند و شکر در همین سال تنها ۲ دهم درصد هزینه‌های کل خانوارهای شهری را به خود اختصاص داده است. در صورتی که نسبت این دو عدد را به دست آوریم خواهیم دید که یک خانوار شهری در سال رقمی که به خرید مبلمان داده است ۶ برابر رقم اختصاص یافته به قند و شکر است.

اجاره مسکن و قند و شکر

بر اساس گزارش بانک مرکزی در سال ۱۳۹۶ هر خانواده شهرنشین ایرانی رقمی بالغ بر ۱۳۹۴۹۶۵۱ تومان برای اجاره بها و ارزش اجاره مسکن اختصاص داده است که برابر با ۳۳/۱ درصد کل هزینه‌های ناخالص است. یک مقایسه کوچک نشان می‌دهد که یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۶ نزدیک به ۱۷۰ برابر هزینه‌ای که برای خرید قند و شکر اختصاص داده است را برای اجاره‌بهای مسکن هزینه کرده است.

هزینه

در سال مورد بررسی متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار شهری حدود ۴۲۱۳۰۹ هزار ریال (ماهانه حدود ۳۵۱۰۹ هزار ریال) بود که نسبت به سال قبل ۷/۲ درصد افزایش داشته است. از کل این مبلغ، ۲۳/۵ درصد (حدود ۹۹۱۳۰ هزار ریال) سهم گروه هزینه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌باشد که نسبت به سال ۱۳۹۵ معادل ۱۰/۲ درصد افزایش داشته است. در بین اقلام گروه هزینه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بیشترین سهم از کل هزینه ناخالص (معادل ۵/۴ درصد) متعلق به هزینه انواع گوشت بود. پس از آن به ترتیب، هزینه میوه‌های تازه با ۴/۲ درصد، شیر و فرآورده‌های آن و تخم پرندگان با ۲/۸ درصد، سبزی‌های تازه با ۲/۷ درصد، آرد، رشته و غلات با ۲/۳ درصد و انواع نان و بیسکویت با ۱/۷ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس نتایج این بررسی از کل هزینه ناخالص خانوار، ۰/۳ درصد (حدود ۱۲۸۹ هزار ریال) به گروه هزینه دخانیات اختصاص داشت که در مقایسه با سال ۱۳۹۵، ۴/۱ درصد افزایش داشته است. در این سال از کل هزینه‌های ناخالص خانوار ۴/۲ درصد (حدود ۱۷۷۸۴ هزار ریال) به گروه هزینه پوشاک و کفش اختصاص داشت که نسبت به سال ۱۳۹۵ معادل ۵/۱ درصد افزایش داشته است.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ۳۵/۵ درصد از کل هزینه ناخالص یک خانوار (حدود ۱۴۹۳۷۷ هزار ریال) مربوط به گروه هزینه مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها بود که نسبت به سال قبل ۷/۱ درصد افزایش داشته است.

در سال مورد بررسی از کل هزینه‌های ناخالص خانوار ۴/۰ درصد (حدود ۱۶۸۸۷ هزار ریال) به گروه هزینه لوازم، اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه اختصاص داشت که در مقایسه با سال ۱۳۹۵ معادل ۰/۷ درصد افزایش نشان می‌دهد.

بر اساس نتایج این بررسی از کل هزینه‌های ناخالص خانوار، ۵/۷ درصد به گروه بهداشت و درمان، ۱۰/۶ درصد به گروه هزینه حمل و نقل، ۲/۱ درصد به گروه هزینه ارتباطات، ۱/۹ درصد به گروه هزینه تفریح و امور فرهنگی، ۱/۸ درصد به گروه هزینه تحصیل، ۲/۱ درصد به گروه هزینه رستوران و هتل به ۸/۲ درصد به گروه هزینه کالاها و خدمات متفرقه اختصاص داشته است.

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که در مقایسه با سال ۱۳۹۵، هزینه گروه‌های بهداشت و درمان ۴/۵ درصد، حمل و نقل ۶/۷ درصد، ارتباطات ۴/۲ درصد، تفریح و امور فرهنگی ۰/۵ درصد، تحصیل ۳/۵ درصد، رستوران و هتل ۷/۵ درصد و کالاها و خدمات متفرقه ۵/۲ درصد افزایش داشته است.

قند و شکر در بودجه خانوار

آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد در

بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران

متوسط مقدار مصرف سالانه برخی اقلام خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات یک خانوار طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۶ (مقدار به کیلوگرم)

۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	اقلام خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات - سال
۱۰۶	۱۰۶	۱۱۶	۱۲۰	۱۱۹	۱۳۱	۱۴۷	۱۵۹	۴۵۴	۱۴۶	انواع برنج
۲۹۸	۳۱۱	۳۲۸	۳۴۳	۳۵۰	۳۴۷	۳۵۶	۳۹۵	۴۲۵	۴۴۵	انواع نان
۳۷	۴۱	۴۰	۴۱	۴۰	۴۱	۴۸	۴۷	۴۸	۵۶	گوشت دام
۹۰	۸۶	۹۰	۸۹	۸۴	۸۸	۹۱	۹۳	۹۵	۹۰	گوشت پرندگان
۲	۲	۲	۳	۳	۳	۴	۴	۵	۵	فرآورده‌های گوشت دام و پرندگان
۱۲	۱۱	۱۱	۱۲	۱۳	۱۳	۱۵	۱۷	۱۶	۱۶	انواع ماهی
۱	۱	۲	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۳	حیوانات دریایی و فرآورده‌های آن
۱۲۶	۱۲۰	۱۳۱	۱۳۴	۱۳۸	۱۳۴	۱۶۶	۲۳۴	۲۳۲	۲۱۵	انواع شیر
۸۶	۸۰	۷۹	۸۰	۸۲	۸۶	۸۴	۶۴	۶۸	۷۵	انواع ماست
۲۴	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۴	۲۵	۲۳	۲۴	۲۵	انواع پنیر
۳۶	۳۷	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۵	۴۱	۳۹	۳۸	تخم مرغ
۳۶	۳۴	۳۶	۳۷	۳۷	۳۹	۴۳	۴۵	۴۴	۴۴	روغن‌های نباتی
۱۵	۱۶	۱۸	۲۱	۲۲	۲۲	۲۴	۲۷	۲۷	۲۷	انواع قند
۸	۹	۱۰	۱۰	۱۱	۱۱	۱۲	۱۴	۱۶	۱۵	شکر
۳	۳	۴	۴	۴	۴	۵	۵	۵	۵	انواع چای



زندگی صنعت قند و شکر در ۳ دوره

کارخانه‌ها و گروهی از دلسوزان در دولت‌ها و مجلس و وفاداری نسبی تولیدکنندگان چغندر همچنان پابرجا مانده است. نموداری که می‌بینید سه دوره متفاوت صنعت قند از سال ۱۳۸۱ تا امروز را به خوبی نشان می‌دهد. همان‌طور که از ارقام نمودار برمی‌آید میزان تولید در ۳-۴ سال آخر فعالیت دولت اصلاحات و حتی سال زراعی بعد یعنی از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ بر فراز واردات بوده است. در آن سال‌ها نگاه دولت وقت، دادن فرصت به صنعت قند و شکر در مسیر استفاده از همه توانایی‌های کشور بود.

نمودار یادشده نشان می‌دهد اما در سال‌های ۱۳۸۵ به بعد واردات بر فراز تولید ایستاد تا اینکه در سال ۱۳۹۲ دولت تغییر پیدا کرد و دولت جدید اختیار تولید و تنظیم بازار محصولات کشاورزی را به مدیرانی با رویکرد توجه به تولید داخلی سپرد. این گونه بود که از سال ۱۳۹۳ تا آبان ماه ۱۳۹۷ شاهد هستیم که دوباره تولید بر فراز واردات ایستاده است. در سال‌های اخیر کمترین ارزش خرید شکر از کشور خارج شده است و امیدواری به خودکفایی به بالاترین میزان رسیده است.



میلیارد تومان سود بادآورده نصیب خود کنند. در حالی که صنعت قند و شکر ایران با بی‌محتی‌های پرشمار در طول تاریخ خود مواجه شده است اما با پایمردی مدیران

آنهایی که با صنعت قند و شکر کشور آشنایی دارند نیک می‌دانند که این صنعت قدیمی در تاریخ پرفراز و فرود خود روزهای شیرین کمی را به لحاظ رویکرد و راهبرد مدیران ارشد دولت‌ها تجربه کرده است. مدیران ارشد دولت‌ها در همه دهه‌های گذشته اولاً به این صنعت به عنوان موتور رشد و توسعه یک فعالیت دیگر یا به عبارت دیگر به عنوان فلک دولت نگاه می‌کردند. این دیدگاه از دوره پهلوی اول که از قند و شکر مالیات می‌گرفت تا دولت‌های بعدی که از واردات این شکر حقوق و عوارض گمرکی می‌گرفتند بر فعالیت صنعت قند حاکم بوده و هست. از طرف دیگر دولت‌های همه دوران تاریخ ۱۲۰ ساله این صنعت از واردات به اهرم تنظیم بازار برای برخی تجار بزرگ و انگشت‌شمار رانت ایجاد می‌کردند. این تجار کوچک و قدرتمند سال‌های طولانی راه تولید داخل را تنگ و مسدود کرده و دروازه واردات را گشاد و فراخ می‌کردند. داستان رانت‌خواری چند تاجر انگشت‌شمار در سال‌های ۱۳۸۵ به بعد به ویژه در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و بهار ۱۳۹۲ توانستند با واردات شکر با نرخ ارز ترجیحی صدها

واردات شکر خام بصورت ماهیانه از سال ۱۳۸۵ تا پایان آبان ماه سال ۱۳۹۷ (ارقام هزار تن)

ردیف	سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	جمع
۱	۱۳۸۵	۱۵۴	۹۴	۱۱۱	۲۰۵	۳۰۷	۱۹۲	۱۸۷	۲۲۲	۱۹۴	۲۹۸	۲۴۰	۲۷۶	۲۴۸۱
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۱۵۴	۲۴۸	۳۵۹	۵۶۴	۸۷۱	۱۰۶۳	۱۲۵۰	۱۴۷۳	۱۶۶۸	۱۹۶۵	۲۲۰۵	۲۴۸۱	۲۴۸۱
۲	۱۳۸۶	۲۳۶	۲۲۸	۱۱۲	۵۴	۱۱۱	۱۳۳	۶۱	۵۵	۶۵	۲۷	۵۰	۳۸	۱۱۷۰
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۲۳۶	۴۶۴	۵۷۶	۶۳۰	۷۴۱	۸۷۴	۹۳۵	۹۹۰	۱۰۵۵	۱۰۸۲	۱۱۳۲	۱۱۷۰	۱۱۷۰
۳	۱۳۸۷	۲۸	۲۹	۸۸	۸۹	۱۴۹	۱۷۳	۲۴	۶۸	۶۵	۱۲۶	۱۶۹	۹۳	۱۱۰۱
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۲۸	۵۷	۱۴۵	۲۳۴	۳۸۳	۵۵۶	۵۸۰	۶۴۸	۷۱۳	۸۳۹	۱۰۰۸	۱۱۰۱	۱۱۰۱
۴	۱۳۸۸	۱۱۹	۱۰۸	۵۷	۶۴	۴۲	۳۳	۹۴	۴۶	۴۵	۷۴	۱۲۲	۷۳	۸۷۷
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۱۱۹	۲۲۷	۲۸۴	۳۴۸	۳۹۰	۴۲۳	۵۱۷	۵۶۳	۶۰۸	۶۸۲	۸۰۴	۸۷۷	۸۷۷
۵	۱۳۸۹	۶۹	۱۰۷	۱۳۲	۲۳۴	۳۱۲	۳۳۰	۱۶۱	۱۱۲	۸۰	۶۳	۷۳	۱۳۲	۱۸۰۵
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۶۹	۱۷۶	۳۰۸	۵۴۲	۸۵۴	۱۱۸۴	۱۳۴۵	۱۴۵۷	۱۵۳۷	۱۶۰۰	۱۶۷۳	۱۸۰۵	۱۸۰۵
۶	۱۳۹۰	-	۲۴	۱۲	۶۸	۳۰۱	۳۸۴	۳۱	۱۸	۱۷	۱۸۱	۱۴۲	۵۶	۱۲۳۴
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	-	۲۴	۳۶	۱۰۴	۴۰۵	۷۸۹	۸۲۰	۸۳۸	۸۵۵	۱۰۳۶	۱۱۷۸	۱۲۳۴	۱۲۳۴
۷	۱۳۹۱	۵۰	۶۹	۱۲۱	۵۵	۱۵۴	۱۹۶	۱۹۰	۲۷	۲۲۸	۱۵۱	۳۰۷	۱۲۲	۱۶۸۱
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۵۰	۱۱۹	۲۴۰	۲۹۵	۴۴۹	۶۴۵	۸۳۵	۸۷۲	۱۱۰۰	۱۲۵۱	۱۵۵۸	۱۶۸۱	۱۶۸۱
۸	۱۳۹۲	۸۸	۱۵	۸۸	۱۱۴	۶۱	۱۵۹	۲۰۷	۱۱۵	۱۴۶	۱۳۴	۲۲۵	۲۲۷	۱۵۷۹
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۸۸	۱۰۳	۱۹۱	۳۰۵	۳۶۶	۵۲۵	۷۳۲	۸۴۷	۹۹۳	۱۱۲۷	۱۳۵۲	۱۵۷۹	۱۵۷۹
۹	۱۳۹۳	۱۶۵	۱۳۷	۲۱۱	۵۷	۴۰	۶۷	۴۷	۱۹	۸۰	-	-	-	۸۲۳
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	۱۶۵	۳۰۲	۵۱۳	۵۷۰	۶۱۰	۶۷۷	۷۲۴	۷۴۳	۸۲۳	۸۲۳	۸۲۳	۸۲۳	۸۲۳
۱۰	۱۳۹۴	-	۵,۵	۱۱,۸	۹,۲	۱۲	۷۰	۱۰,۷	۱۷,۵	۱۰,۵	۲	۵	۲۴	۵۲۱
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	-	۵,۵	۱۷,۳	۲۱	۳۳	۸۰	۲۱۰	۳۸,۵	۴۹,۰	۴۹,۲	۴۹,۷	۵۲۱	۵۲۱
۱۱	۱۳۹۵	-	-	-	۲۵	۲۲۱	۱۷۰	۷۶	۵۰	۶۶	۶۸	-	۱۶	۶۶۷
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	-	-	-	۲۵	۴۴۶	۳۹۱	۴۶۷	۵۱۷	۵۸۳	۶۵۱	۶۵۱	۶۶۷	۶۶۷
۱۲	۱۳۹۶	-	۱۹۵	۲۲۹	۱۲۹	۱۳۸	۱۶	-	۵۵	-	۱۴	-	۸۰	۸۵۶
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	-	۱۹۵	۴۲۴	۵۵۳	۶۹۱	۷۰۷	۷۰۷	۷۶۲	۷۶۲	۷۷۶	۷۷۶	۸۵۶	۸۵۶
ردیف	سال	فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور	مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند	جمع
۱۳	۱۳۹۷	-	۲۸	۴۹	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۸۸
	جمع هر ماه + ماه‌های قبل	-	۲۸	۸۷	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸	۸۸

619

آمار واردات شکر از سال ۱۳۸۰ تا پایان آبان ماه سال ۱۳۹۷ به تفکیک واردات دولتی و خصوصی

سال	واردات بخش خصوصی	واردات بخش دولتی	جمع واردات
۱۳۸۰	-	۹۳۷	۹۳۷
۱۳۸۱	-	۸۲۰	۸۲۰
۱۳۸۲	۵۶	۱۶۰	۲۱۶
۱۳۸۳	۲۲	۱۶۱	۲۰۳
۱۳۸۴	۸۰	۶۲۷	۷۰۷
۱۳۸۵	۱۴۸۵	۱۰۴۲	۲۵۲۷
۱۳۸۶	۹۶۲	۲۰۸	۱۱۷۰
۱۳۸۷	۱۱۰۱	-	۱۱۰۱
۱۳۸۸	۸۷۷	-	۸۷۷
۱۳۸۹	۱۳۸۹	-	۱۳۸۹
۱۳۹۰	۱۳۹۰	-	۱۳۹۰
۱۳۹۱	۱۱۷۵	۵۰۵	۱۶۸۰
۱۳۹۲	۹۹۲	۵۸۷	۱۵۷۹
۱۳۹۳	۵۶۲	۲۶۱	۸۲۳
۱۳۹۴	۳۶۴	۱۵۷	۵۲۱
۱۳۹۵	۳۵۸	۳۰۹	۶۶۷
۱۳۹۶	۷۱۸	۱۳۸	۸۵۶
۱۳۹۷	۸۸	-	۸۸

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

واردات شکر از سال ۸۴ تا پایان آبان ماه سال ۹۷ به تفکیک خام و سفید

سال	سفید (هزارتن)	بها (دلار)	خام (هزارتن)	بها (دلار)	جمع واردات (هزارتن)	بها جمع واردات (دلار)
۱۳۸۴	۷۸	۲۰,۱۲۴,۰۰۰	۶۲۹	۱۷۷,۲۵۶,۰۰۰	۷۰۷	۱۹۷,۳۸۰,۰۰۰
۱۳۸۵	۶۳۷	۲۹۱,۳۷۱,۹۱۰	۱,۸۹۰	۷۲۴,۱۸۲,۵۵۹	۲,۵۲۷	۱,۰۰۷,۴۵۴,۴۶۹
۱۳۸۶	۳۳۸	۱۳۳,۳۰۹,۳۴۴	۸۲۲	۲۷۴,۴۶۱,۳۶۷	۱,۱۶۰	۴۰۷,۷۷۰,۷۱۰
۱۳۸۷	۱۰۲	۳۷,۲۱۳,۳۲۲	۹۹۸	۲۸۷,۸۰۰,۰۱۳	۱,۱۰۱	۳۲۵,۰۱۳,۳۴۵
۱۳۸۸	۲۷	۸۸,۱۹۹,۹۰۶	۸۵۰	۳۱۵,۸۲۶,۱۱۴	۸۷۷	۳۲۴,۶۴۶,۰۲۰
۱۳۸۹	-	-	۱,۸۰۵	۷۰,۴۵۲,۰۴۷	۱,۸۰۵	۷۰,۴۵۲,۰۴۷
۱۳۹۰	۶	۳,۷۹۹,۵۱۰	۱,۳۲۸	۷۵۲,۱۰۵,۳۳۴	۱,۳۳۴	۷۵۵,۹۰۴,۸۴۴
۱۳۹۱	-	-	۱,۶۸۰	۱,۰۷۲,۴۱۳,۶۰۸	۱,۶۸۰	۱,۰۷۲,۴۱۳,۶۰۸
۱۳۹۲	-	-	۱,۵۷۹	۸۳۲,۱۸۷,۹۵۸	۱,۵۷۹	۸۳۲,۱۸۷,۹۵۸
۱۳۹۳	-	-	۸۲۳	۳۷۷,۴۷۰,۴۴۰	۸۲۳	۳۷۷,۴۷۰,۴۴۰
۱۳۹۴	۴۹	۲۰,۴۷۹,۰۰۳	۴۷۲	۱۵۱,۳۵۸,۵۲۴	۵۲۱	۱۷۱,۸۳۷,۵۲۷
۱۳۹۵	-	-	۶۶۷	-	۶۶۷	۳۲۰,۱۳۴,۹۷۸
۱۳۹۶	-	-	۸۵۶	۴۱۴,۷۲۲,۶۳۷	۸۵۶	۴۱۴,۷۲۲,۶۳۷
۱۳۹۷	-	-	۸۸	۴۱,۱۷۶,۷۹۴	۸۸	۴۱,۱۷۶,۷۹۴
جمع	۱,۳۴۸	۵۱۵,۰۱۷,۰۰۵	۱۴,۳۸۷	۶,۱۲۷,۵۰۱,۷۵۵	۱۵,۶۳۵	۶,۹۶۲,۶۵۳,۷۳۷

ماخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران



انجمن صنعتی کارخانهای قند و شکر ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

صفحه آرا: علی صائم

حروفچین: حمیدرضا خدابخش

تلفن و نمابر:

۸۸۹۶۹۰۵۵ - ۸۸۹۶۹۹۰۳

نشانی: تهران - میدان دکتر فاطمی

خیابان شهید گمنام - شماره ۱۴